

سخن سردبیر

به طور معمول مشکلات بالاسری در زندگی سازمانی شامل اظهار ناراحتی درباره احساس کسلی و از خود بیگانگی و کیفیت زندگی کاری می‌شود. احساس خستگی و کسالت از کار انسان را با این تصور که مانند جسمی دورانداخته شده و شناور است و در جستجوی زندگی مانند موجود سرگردان ابدی است رو به رو می‌کند. اصولاً یکی از فواید کار این است که نوعی انسجام و ساختار به انسان بخشیده تا شخص را قادر سازد بر این احساس کسلی و بیهودگی غلبه کند. کار نظیر تولد و مرگ درجه‌ای از اطمینان و وابستگی به زندگی در میان تعداد زیادی عوامل غیرقابل وابسته موجود در هستی به انسان می‌دهد. کار می‌تواند به عنوان یکی از راههای غلبه بر احساس کسالت، بیهودگی، تنهایی و پوچی به شمار آید. همچنین مراحل انجام دادن کار می‌تواند خود به یک تجربه جدید خستگی و کسالت که ممکن است مربوط به بی‌فایده‌گی کار و مقررات بیش از اندازه سازمان و ایجاد سؤال بیشتر در مورد هویت و هستی فرد باشد منجر شود. با ظهور دنیای جدید جامعه صنعتی این اثر معکوس کار عمومی‌تر شد و به معرفی زمینه‌های جدید نظیر نیست‌انگاری^۱ (منکر وجود همه چیز شدن)، بی‌قانونی (پشت پا زدن به همه قوانین) و از خود بیگانگی^۲ (احساس پوچی و بیهودگی) انجامید. هدف واژه از خود بیگانگی تنها فاصله انسان از طبیعت و احساس جمعی نبود بلکه هم چنین درصدد بیان آثار سوء عملیات یکنواخت و شغل‌های بالای تخصصی و تقسیم شده و مربوط به هم اتمی است. از خودبیگانگی احساس عدم اتصال فرهنگی و کاهش انسان‌گرایی و تنزل شخصیت را در انسان تصویر می‌کند. انتقادات اجتماعی اندیشمندان علم رفتار در چند دهه اخیر دنیای صنعتی را متوجه تاثیرات از خود بیگانگی ناشی از صنعتی شدن، جهانی شدن، منطقه‌ای شدن، اتوماتیک شدن، تغییرات تکنولوژیک و تخصصی شدن امور کرد و مشاجره تا آن جا بالا گرفت که عنوان شدن به طور اصولی هدفها و روابط کار و روشهای انجام دادن کار در سازمان باید به نحوی طراحی شود که معنادار باشد و موجب به خطر انداختن فردیت، انسانیت و شخصیت نیروی انسانی نشود. در هزاره جدید هم به نظر می‌رسد این از خودبیگانگی با استفاده ناصحیح از ارتباطات الکترونیکی روز به روز افزایش می‌یابد. درحالی که ارتباطات فرد با دورترین نقاط

1 . Nihilism

2 . Alienation

عالم در چشم به هم زدنی برقرار می شود ولی خود وی (خویشتن خویش) به لحاظ دوری از جامعه و منزوی شدن از خانواده روز به روز از خود بیگانه تر و در حقیقت دچار نوعی الیناسیون از نوع مجازی و یا انسانهای مجازی است. لذا جادارد اندیشمندان علوم رفتاری و روانشناسی باتوجه به گسترش روز افزون ارتباطات الکترونیکی در خانه، خانواده و سازمان چاره‌ای برای فردیت، انسانیت و شخصیت انسان بیاندیشند.